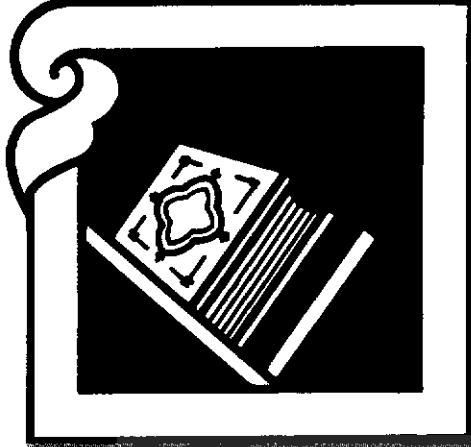
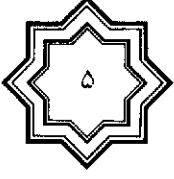


میراثِ ابدان

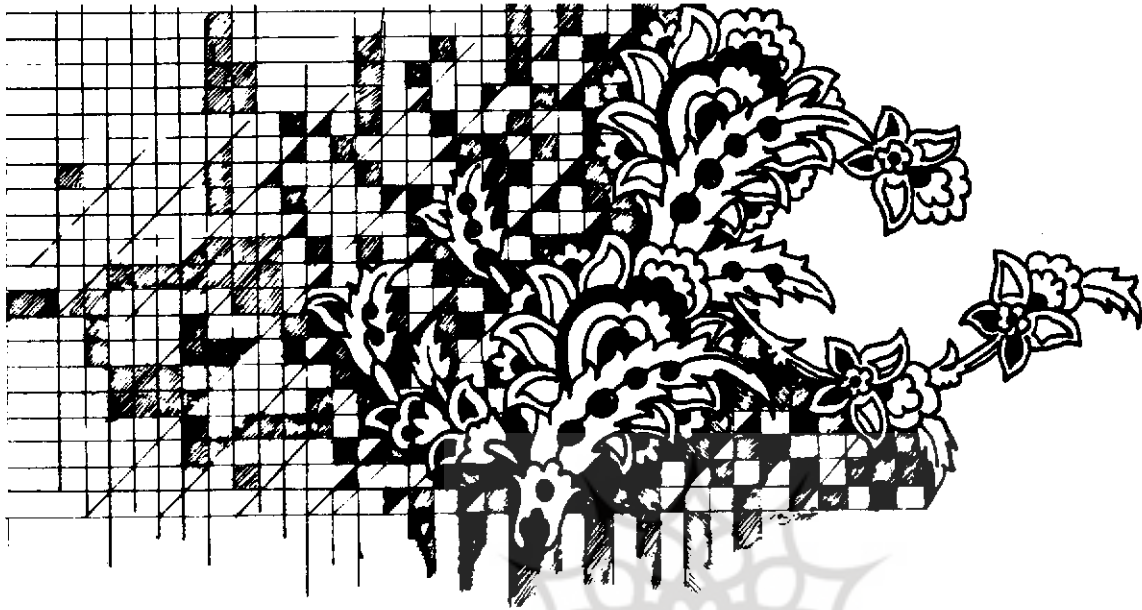
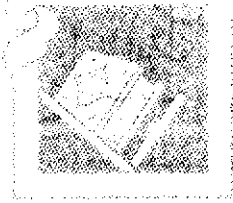
سال دوم - شماره دوم



بیت

پژوهشگاه
پرتال

بحثهایی در شناخت قرآن



محمد ابراهیم جناتی

۱- نزول قرآن

نزول مجموعی بر لوح محفوظ داشته، در دومین مرحله نزولی مجموعی و دفعی به آسمان دنیا صورت گرفته و سرانجام در سومین نزول، به طور تدریجی به رسول خدا (ص) ابلاغ گردیده است. این نظریه را بزرگانی همچون علامه زرکشی^(۶) و علامه ابن حجر^(۷) به عنوان دیدگاهی صحیح و مورد اعتماد پذیرفته اند و همین مبنا را - گرچه موافق بعضی روایات است - عده ای از علمای اهل سنت مخالف آیات و روایات دانسته و نپذیرفته اند.

۲- اسامی قرآن

آیا این کتاب الهی نامی غیر از قرآن نیز دارد؟ آن گونه که از آیات استفاده می شود خداوند در خود قرآن از این مجموعه الهی با نامهای دیگری مثل کتاب، فرقان، ذکر و تنزیل نیز یاد کرده است.

علامه شیخ طاهر جزایری در کتاب تبیان و علامه علی بن احمد تجیبی معروف به حرالی (م ۶۴۷) بیش از ۹۰ نام را برای قرآن یاد کرده اند و علامه سیوطی و زرکشی ۵۵ نام را ذکر کرده اند. علامه ابوالمعالی عزیزی بن عبدالملک معروف به شیندله در کتاب البرهان می گوید: قرآن ۵۵ نام دارد.

ولی این گفتارها قابل نقد و اشکال پذیر است؛ زیرا آنان

یکی از مباحثی که در علوم قرآن مورد بحث صاحب نظران قرار می گیرد کیفیت نزول قرآن است که آیا دفعی بوده و یا به طور تدریجی صورت گرفته است.

آنچه مشهور است و اعتقاد ما نیز بر آن است این است که نزول قرآن به صورت تدریجی و در طول ۲۳ سال^(۱) از بعثت تا رحلت رسول الله (ص) در موقعیتهای مختلف در مکه یا مدینه^(۲) صورت گرفته است.^(۳)

اکنون ممکن است به نظر برخی میان اعتقاد به نزول تدریجی قرآن و آنچه خود قرآن در سوره قدر می فرماید، مبنی بر اینکه: «أنا أنزلناه فی لیلة القدر» ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم، تنافی دیده شود. اما چنین نیست؛ زیرا از روایاتی استفاده می شود که نزول مجموعی قرآن به آسمان دنیا در شب قدر و نزول آن بر پیامبر برای خواندن بر مردم به صورت تدریجی و در طول دوران رسالت بوده است. و از این روست که خداوند در قرآن می فرماید: «و قرآناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث»^(۴).

گفتنی است که درباره کیفیت نزول قرآن نظریات دیگری نیز بیان شده است که در یکی از مشهورترین این نظریات، مراحل مختلفی برای نزول آن بیان گردیده است. به طوریکه در کتاب الاتقان نقل شده است^(۵)، قرآن در اولین مرحله،

۱- بعضی مدت نزول را ۲۰ سال و برخی ۲۵ سال گفته اند.

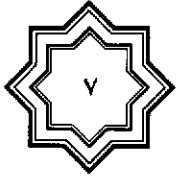
۲- و به همین دلیل آیاتی را که در مکه نازل شده «مکی» و سایر آیات را که در مدینه نازل شده «مدنی» نامیده اند.

۳- به البرهان فی علوم القرآن از علامه محمد بن عبدالله زرکشی (م ۷۴۵) ج ۱ ص ۲۳۲. و الاتقان فی علوم القرآن از علامه جلال الدین عبدالرحمان سیوطی (م ۹۱۱) ۶۸/۱ مراجعه شود.

۴- اسراء آیه ۱۰۶. ۵- الاتقان فی علوم القرآن، ۲۸/۱.

۶- البرهان فی علوم القرآن، ۲۲۹/۱.

۷- فتح الباری فی شرح صحیح البخاری. علامه عینی.



در سینه ها حفظ می شود؛ زیرا قرآن مصدر قرائت است که در آن استذکار و استظهار شیء است و بعضی حکما گفته اند: سبب اینکه این کتاب خدا در بین کتابهای دیگر او قرآن نامیده شده این است که در بردارندهٔ جمیع فائده های کتابهای دیگر او است، بلکه در بردارندهٔ ثمره های همهٔ علوم است و به این اشاره دارد فرمودهٔ خدا: «و تفصیل کل شیء» و «تبیاناً لكل شیء» (۱۸).

ناگفته نماند که بعضی در این اقوال خدشه کرده اند و یا نظریات دیگری را در وجه تسمیهٔ قرآن بیان کرده اند که برای پرهیز از اطالهٔ کلام از آنها می گذریم.

کتاب

یکی از نامهایی که برای قرآن ذکر شده «کتاب» است. این کلمه بیش از ۲۷۰ مورد در قرآن آمده است؛ از آنهاست: «الم. ذلك الكتاب لا ريب فيه...» (۱۹) که مراد در بیشتر این موارد قرآن است. جالب توجه است که هرگاه بحث از منابع استنباط احکام است از قرآن به عنوان کتاب یاد می شود. شاید هم بدان جهت کتاب گویند که جامع الفاظ، کلمات و حروف است؛ چنانکه کتابت بدین معنی است به هر حال در کلمات خداوند، کتاب بر اموری اطلاق شده است از جمله:

۱- کتابهای دینی که بر انبیای پیشین فرود آمد؛ مانند کتاب نوح. در آنجا که خداوند فرمود: «و انزل معهم الكتاب بالحق» (۲۰) و کتاب یحیی در آنجا که گفت: «یا یحیی خذ الكتاب بقوة» (۲۱).

۲- کتابهایی که برای ضبط حسنات و سیئات قرار داده شده است؛ مانند: «و کل انسان الزمان طائره فی عنقه و نُخْرِج له یوم القیامة کتابا یلقاه منشوراً اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا» (۲۲) «و تری کل امة جائیة کل امة تدعی الی کتابها الیوم تجزون ما کنتم تعملون» (۲۳) تفاوت بین این دو آیه در این است که در آیهٔ اول کتاب بر چیزی که در آن حسنات و سیئات افراد انسانی ضبط می شود اطلاق شده، اما در آیهٔ دوم در مورد آن چیزی که حسنات و سیئات امتهای در آن ضبط شده به کار رفته است.

۳- کتابهایی که در آنها حوادث وجود و نظام آن ضبط می شود؛ مثل: «و ما یعزب عن ربک من مثقال ذرة فی الارض ولا فی السماء ولا اصفر من ذلك ولا اکبر الا فی کتاب مبین» (۲۴).

۴- بر کتابهایی که به خواست خداوند در آنها تغییر و تبدیل راه دارد. «بمحوالله ما یشاء و یثبت و عنده ام الكتاب» (۲۵).

فرقان

این کلمه حدود ۷ مورد در قرآن استعمال شده است که در دو مورد آن قرآن منظور است؛ مثل آنچه در اولین آیهٔ سورهٔ فرقان آمده است که می فرماید: «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً...» (۲۶) فرقان معنای تفرقه و جدایی را افاده می کند و شاید علت آنکه فرقان نامیده شده است آن است که فراق میان راه هدایت و راه گمراهی و راه

خلط و آمیخته نمودند بین اسامی و اوصاف، و بیشتر عناوینی که در قرآن برای آن ذکر شده اوصاف قرآن هستند نه اسما. به هر حال در قرآن اسامی و اوصاف زیادی برای قرآن یاد شده است و هر کدام دارای وجه تسمیهٔ خاصی هستند و بجاست که ما به طور فشرده به بعضی از آنها اشاره نماییم.

قرآن

در آیات الهی بیش از ۵۰ مورد این نام به کار رفته است که از آن موارد است آیهٔ «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرائته خاشعاً متصدعاً من خشية الله» (۸) البته در اینکه «قرآن» به چه معنی بوده و مبدأ اشتقاق آن چیست، نظریات عدیده ای یافت می شود.

۱- بعضی مثل محمد بن ادریس شافعی - پیشوای مذهب شافعی - بر آن اند که اصلاً «قرآن» مشتق نبوده، بلکه اسمی است که از ابتدا برای این مجموعهٔ کلام خداوند قرار داده شده است. (۹)

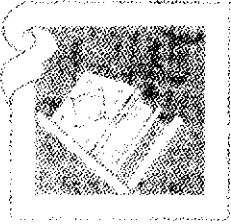
۲- افرادی مثل فرّاء «قرآن» را مشتق از قرائن «جمع قرینه» می دانند؛ بدان جهت که شباهت بعضی آیات به یکدیگر همچون قرینه بودن این آیات نسبت به بعض دیگر است. (۱۰)

۳- اشعری و پیروان او قرآن را مشتق از «قرن الشیء بالشیء» که به معنی ضمیمه نمودن چیزی به چیزی است دانسته و معتقدند که چون سوره ها و آیات قرآن مقارن یکدیگرند و بعضی از آنها منظم بعضی دیگر می شوند خداوند آن را قرآن نامیده است (۱۱).

۴- از علامه ابواسحاق ابراهیم بن سری (م ۳۱۱) معروف به زجاج صاحب کتاب معانی القرآن نقل شده است که «قرآن» مشتق از «قرء» به معنی جمع آوری است؛ چنان که گفته می شود «قرأ الماء فی الحوض» یعنی آب در حوض جمع شد. و این گویای این نکته است که قرآن جامع همهٔ محتوای کتب سابقهٔ الهیه است (۱۲) و علامه قسطلانی از همین معنا قرار داده است قول کسی را که می گویند: «قرأت الشیء» یعنی جمع کردم آن را، (۱۳) علاوه بر او ابن اثیر (۱۴) و ابن منظور (۱۵) در مادهٔ «قرأ» نیز همین معنا را برای آن برگزیده اند. ابن منظور می گوید نامیدن آن به «قرآن»، بدین جهت است که در آن داستانها، اوامر، نواهی، وعده ها، وعیدها، آیه ها و سوره ها، جمع آوری شده است، ولی راغب اصفهانی می گویند: قرائت ضمیمه نمودن بعضی حروف و کلمات است به بعض دیگر در ترتیل و بر هر جمعی این عنوان اطلاق نمی شود؛ گفته نمی شود «قرأت القوم» هنگامی که آنان را جمع نمایی.

۵- لحنی «قرآن» را مشتق از «قرء» به معنی قرائت و پیرو هم آوردن و خواندن می داند (۱۶) علاوه بر او صاحب مباحث فی علوم القرآن همین قول را رجحان داده و می گویند: «قرآن» در لغت مصدر و مرادف با قرائت است و به همین معناست که خداوند می فرماید: ان علينا جمعه و قرآنه فاذا قرآنه فاتبع قرآنه (۱۷). و به گفتهٔ بعضی بزرگان، مراد از قرآن در آیهٔ شریفهٔ «علم القرآن» قرائت است. و وجه نامیدن کتاب به این اسم، شاید این باشد که قرآن

- ۸- حشر آیه ۲۱.
- ۹- جهت آگاهی بیشتر می توانید به کتاب تاریخ بغداد ۶۲/۲ نوشتهٔ خطیب بغدادی مراجعه نمایید.
- ۱۰- الاقسان فی علوم القرآن ۸۷/۱.
- ۱۱- البرهان فی اعلام القرآن ۲۷۸/۱.
- ۱۲- مدارک سابق.
- ۱۳- لطائف الاشارات ۱۸/۱.
- ۱۴- نهاية اللغة مادة قرأ.
- ۱۵- لسان العرب، ابن منظور مصری.
- ۱۶- الاتقان، ۸۷/۱، تاج العروس، مادة قرأ.
- ۱۷- قیامت/ آیه ۱۸.
- ۱۸- مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی/ ۴۰۲.
- ۱۹- البقره، آیه ۱.
- ۲۰- البقره، ۲۱۳.
- ۲۱- مریم، ۱۲.
- ۲۲- اسراء، ۱۳.
- ۲۳- جائیه، ۳۸.
- ۲۴- یونس، ۶۱.
- ۲۵- رعد، ۳۹.
- ۲۶- فرقان، ۱.



حلال و حرام و حق و باطل است و یا آنکه به معنی نجات است.

ذکر

این کلمه نیز در آیاتی از قرآن آمده است که در بعضی آنها مراد قرآن است؛ از آن جمله آیه «إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ» (۲۷) و آیه «و هَذَا ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ» (۲۸) ذکر به معنای شرف است و مناسبت نامیده شدن قرآن به ذکر این است که رسول خدا در نتیجه ابلاغ قرآن به مردم به آخرین مراتب شرف نائل شد و امت او نیز بهترین و شریفترین امتها به حساب آمدند؛ زیرا آنان حامل نور قرآن و هدایت او شدند. خداوند فرمود: «وَ أَنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَ لِقَوْمِكَ وَ سَوْفَ نَسْأَلُوكَ» (۲۹)

تنزیل

و بدین نام در آیاتی چند اشاره شده است؛ همان گونه که در سوره شعراء آیه ۱۹۲ آمده است که می فرماید: «وَ أَنَّهُ تَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ» که شاید وجه تسمیه قرآن به تنزیل اشاره به نزول تدریجی قرآن باشد.

علاوه بر اسامی قرآن که به برخی از آنها اشاره کردیم، در قرآن کریم اوصاف زیادی نیز برای قرآن یاد شده است؛ مثل: «عَلَى وَ حَكِيمٌ» در سوره زخرف آیه ۴ یا «مَجِيدٌ» در سوره بروج آیه ۲۱ یا «عَزِيزٌ» در سوره فصلت آیه ۴۱ یا «عَرَبِيٌّ» در سوره زمر آیه ۲۸ و یا «مَحْكَمٌ وَ شَفَاءٌ وَ حَبْلٌ وَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَ مَوْعِظَةٌ، بِلَاغٌ، بَصَائِرٌ، بَيَانٌ، مِثَانِيٌّ، وَحِيٌّ، رَحْمَةٌ، نَذِيرٌ، مَهِيْمٌ...».

۳- تقسیمات قرآنی

تقسیمات قرآن و اصطلاحاتی که برحسب آنها در قرآن دیده می شود- مثل سوره و آیه - شایان دقت است.

سوره

در مبدأ اشتقاق «سوره» بین بزرگان و مفسران اختلاف نظر است. بجااست به بعضی از این نظریات اشاره نماییم.

۱- «سوره» مشتق است از «سوار» که معرب «دستواره» است. از آنجا که سوره های قرآن کریم همچون دستواره آیاتی از قرآن را دربر گرفته اند بدانها «سوره» می گویند.

۲- «سوره» اسم است برای بخشی از قرآن که دست کم سه آیه باشد. این نظری است که سیدمرتضی در کتاب فرائد الغوالی علی شواهد الامالی به آن اشاره کرده است (۳۰).

۳- «سوره» در اصل مهموز- سوره است به معنی «نیم خورده و باقیمانده آشامیدنی در ظرف» که در واقع شامل يك قسمت می شود و از آنجا که بخشی از قرآن است بدان سوره گفته اند. علامه محمد بن عبدالله زركشي در كتاب البرهان فی علوم القرآن (۳۱) یادآور این نکته شده است.

۴- «سوره» از «سور» به معنی حصار بکند است و چون در يك سوره قرآن آیاتی چند گرد آمده اند به این نام خوانده شده است.

۵- سوره در اصل مهموز نیست و از سور بنا مأخوذ

است. این قول ابو عبیده است.

۶- «سوره» از «تسور» به معنی تصاعد و ترکیب است.

۷- سوره در اصل مهموز و به معنی پاره ای از قرآن است که از بقیه آن جدا شده و چون به صورت مستقلی درآمده و مقداری از آیات را دربر دارد دارای اسم مخصوصی شده است. علامه ابن کثیر در تفسیر قرآن العظیم (۳۲) و علامه جلال الدین عبدالرحمان سیوطی در الاتقان فی علوم القرآن این سخن را ذکر کرده اند. (۳۳)

۸- «سوره» به معنی مقام رفیع و ارجمند نیز آمده است و به همین معنی است قول شاعر:

الم تر ان الله اعطاك سورة

آنچه تاکنون بدان اشاره شد بیشتر معنی لغوی «سوره» را بیان می کرد؛ لیکن اصطلاحاً «سوره» به بخشی از آیات قرآنی گویند که دارای ابتدا و انتهاست و اینکه بعضی گفته اند (۳۴) سوره بخشی از آیات قرآنی است که میان دو بسمله قرار دارد نمی تواند مورد قبول باشد؛ زیرا نقض پذیر است. به طور مثال میان دو سوره انفال و براءت بسمله وجود ندارد و حال آنکه حقیقتاً دو سوره اند و یا در وسط سوره نمل بسمله آمده، درحالی که فاصله دو سوره را نشان نمی دهد.

عدد سوره ها

قرآن کریم بنا بر مشهور ۱۱۴ سوره دارد. البته قولی نیز به ۱۱۳ سوره اشاره دارد.

تقسیم سوره ها

چنان که قبلاً اشاره شد سوره های قرآن برحسب نزول، بعضی مکی و بعضی مدنی هستند. دانشمندان علوم قرآن در این میان ۲۰ سوره را مدنی دانسته اند و در ۱۲ سوره اختلاف نظر دارند و باقی سور را مکی خوانده اند. در اینکه ویژگی های سوره مدنی یا مکی چیست بعضی نظریاتی ابراز داشته اند. علامه سیوطی می گوید: خصوصیات سوره های مکی عبارت اند از:

۱- وجود سجده در آنها ۲- وجود لفظ «کلاً» در آنها ۳- خطاب با «یا ایها الناس». ۴- وجود قصص انبیا و داستان پیشینیان و جریان ابلیس در آن، به استثنای سوره بقره. ۵- شروع سوره با حروف مقطعه از قبیل: «الم و الر». البته ویژگیهای دیگری را نیز برای شناخت سور مکی یادآور شده اند؛ مثل: کوتاهی آیات و سور، شدت تعبیر، دعوت به اصول اعتقادی، زیادی سوگند و مجادله با مشرکان که کلیت ندارد.

مفهوم آیه

برای آیه در لغت معانی مختلفی مثل: نشانه، دلیل، جماعت و امر شگفت آور ذکر کرده اند و به معنی اول و دوم است فرموده خدا در آیه ۵۳ از سوره فصلت: «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق...» و در اصطلاح آیه عبارت است از بخشی از حروف یا کلمات یا جملاتی که از طریق نقل، حدود آنها به گونه کامل در قرآن معین شده باشد.

۲۷- حجر، ۹.

۲۸- نساء، ۵۰.

۲۹- زخرف، ۴۴.

۳۰- فرائد الغوالی...، ص ۱۸۵.

۳۱- البرهان، ج ۲، ص ۲۶۳.

۳۲- تفسیر قرآن العظیم، ج ۱، ص ۷.

۳۳- الاتقان، ج ۱، ص ۵۲.

۳۴- همان، ج ۱، ص ۹۰.

آن گونه که از نقلها به دست می آید، آیه های قرآن با راهنمایی رسول خدا مرتب شده است. در این باره می توانید به صحیح بخاری کتاب تفسیر القرآن باب ۴۱۸ و الاتقان فی علوم القرآن ۱/۱۰۴-۱۰۷ مراجعه نمایید.

شمار آیات

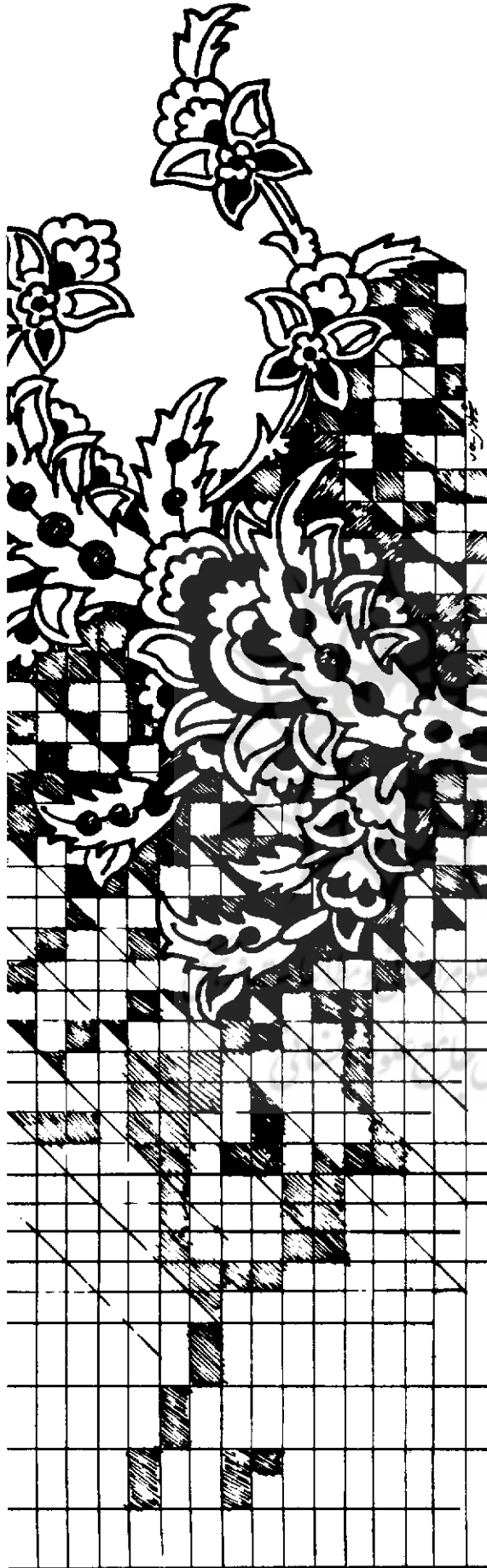
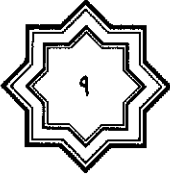
در این باره نظریات مختلفی بیان شده است که به «عدد کوفی، مکی، مدنی، بصری، شامی و...» از آنها یاد می شود، لیکن علامه طبرسی در کتاب ارزشمندی (۱/۴۰۳) بر این عقیده است که صحیح ترین عدد در استناد عدد کوفی است که از اعتبار روایی برخوردار است. این عدد از امیرالمؤمنین (ع) گرفته شده است و با روایتی از پیامبر که می فرمایند: قرآن دارای «۶۲۳۶» آیه است تأیید می شود. آنچه روشن است پایه عدد آیات است که به قول علامه سیوطی در الاتقان فی علوم القرآن (۳۵) تعداد آن از ۶۲۰۰ آیه کمتر نیست و این مورد اتفاق دانشمندان علوم قرآن است و اختلاف در حد بیشتر این عدد است که در آن نظریاتی مثل: ۶۲۰۴، ۶۲۱۴، ۶۲۱۶، ۶۲۲۵، ۶۲۳۶، ۶۶۶۶ و... بیان شده است.

گردآوری قرآن

دانشمندان شیعه بر این عقیده اند که پس از وفات رسول خدا (ص) نخستین کسی که به گردآوری و ضبط آیات قرآن پرداخت، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بود. گردآوری قرآن به دست علی (ع) در پاره ای از مصادر مورد تأیید قرار گرفته است، از جمله: ابن ندیم (م ۳۸۰) می گوید: امیر مؤمنان علی (ع) سوگند یاد کرد ردا بر دوشش نیفتد، مگر آنکه قرآن را جمع آوری نماید و بدین خاطر حضرت سه روز در منزل نشست و به این مهم پرداخت. (۳۶) ابن قتیبه می نویسد: امام علی (ع) فرمود: چون پیامبر (ص) رحلت فرمود با خود عهد کردم و سوگند خوردم تا قرآن را در یک مجموعه گرد نیآورم عبا بر دوش نیندازم و این چنین کردم. (۳۷) و می نویسد: علی (ع) فرمود: رسول خدا (ص) به من وصیت کرد که پس از دفن او از خانه خارج نشوم مگر زمانی که قرآن را گرد آورده باشم... و علی چنین کرد و چون از گردآوری قرآن فارغ شد گفت: «هذا کتاب الله و قد جمعته من اللوحین». (۳۸)

ابن ندیم در الفهرست می گوید: ابن نخستین مصحف بود که جمع گردید و نزد خاندان جعفر بود و من در این زمان نزد ابوعلی حمزه حسنی از اولاد امام حسن قرآنی به خط علی بن ابی طالب دیدم که پاره ای از اوراق آن افتاده است و خاندان امام حسن آن را چون میراثی گرانبها نگاه می دارند. (۳۹)

ما هرگاه به دقت این خبر را به همراه احادیثی که در بسیاری از منابع اهل سنت آمده و می گوید: قرآن در زمان رسول خدا در نزد او در میان پاره ها جمع شد (۴۰) ملاحظه



۳۵- همان، ج ۱، ص ۱۶۱.

۳۶- الفهرست، ص ۳۰.

۳۷- الامامة والسياسة، ص ۳۰.

۳۸- برای وقوف بیشتر مراجعه شود به این مصادر:

تاریخ القرآن، زنجانی، ص ۴۴.

و اصول کافی، کلینی، ص ۴۵۳.

و الاتقان فی علوم القرآن، علامه

سیوطی، ج ۱، ص ۵۸. و فتح

الباری، علامه عسقلانی، ج ۹،

ص ۴۳ و ارشاد الساری، علامه

قسطلانی، ج ۷، ص ۴۵۹. و

عمدة القاری، علامه عینی، ج ۹،

ص ۳۰۴.

۳۹- الفهرست، ص ۴۱.

۴۰- از جمله: مستدرک، حاکم، ج

۲، ص ۱۶۱۱؛ مُسند طیبالیسی،

ص ۲۷۰، المعبر ابن حبیب، ص

۲۸۶؛ تاریخ شام، ج ۷، ص

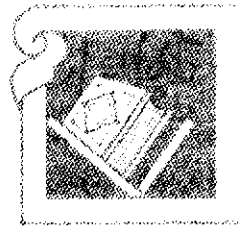
۲۱۰؛ فتح الباری، ج ۹، ص

۴۴۰، صحیح بخاری، کتاب

علم، باب ۳۹ و کتاب جهاد و

اسیر، باب ۱۷۱ و کتاب جزیه،

باب ۱۰ و غیر اینها.



کنیم از مجموع مطالب چنین برداشت می شود که قرآنی که حضرت علی (ع) گردآوری نمود و در مصحف خاص قرار داد همان قرآنی است که در نزد رسول خدا (ص) به صورت پراکنده وجود داشت.

جمع آوری قرآن به حسب تنزیل

در مصادر اهل سنت آمده است که امام علی (ع) قرآن را به حسب نزول جمع آوری کرد (۴۱) ممکن است مراد آنان این باشد که آن حضرت قرآن را با تعلیقه آیه ها و وقت نزول و شأن نزول و با اشاره به اینکه در حق چه کسی نازل شده گردآوری کرده باشد و گرنه معقول نیست که امام علی (ع) کیفیت جمع آوری رسول خدا (ص) را تغییر دهد.

دومین نظر در مورد گردآوری قرآن

گروهی دیگر از علمای اهل سنت بر این عقیده اند که جمع آوری آیات قرآن به دست ابوبکر صورت گرفت. آنها می گویند: پس از اینکه حدود هفتاد نفر از قاریان و حافظان قرآن در جنگ با مسیلمه کذاب - در سال دوازدهم هجرت - کشته شدند، عمر به ابوبکر پیشنهاد کرد که قرآن را گردآوری کند و ابوبکر مطلب را با زیدبن ثابت در میان گذاشت، او نپذیرفت؛ زیرا معتقد بود که اگر انجام دادن این کار ضروری بود رسول خدا (ص) خود آن را انجام می داد، ولی پس از یک ماه ابوبکر پیشنهاد عمر را پسندید و زیدبن ثابت به دستور ابوبکر قرآن را که بر استخوانها و قطعات چوب و سنگ و... به صورت پراکنده نوشته شده بود در مجموعه ای گردآوری کرد. این مصحف ابتدا نزد ابوبکر، سپس نزد عمر و پس از او نزد حفصه دختر عمر نگهداری می شد (۴۲).

علامه زرکشی می گوید: گردآوری قرآن برای ابوبکر حدود یکسال به طول انجامید؛ زیرا دستور او به زیدبن ثابت مبنی بر جمع نمودن قرآن بعد از واقعه یمامه بود... (بین واقعه یمامه و وفات ابوبکر یک سال فاصله بود) او می گوید: ابوبکر اول کسی است که کتاب خدا را بین لوحین جمع کرد... در کتاب المصاحف نیز به این گفتار اشاره شده است (۴۳).

علامه سیوطی می گوید: ظاهراً در زمان ابوبکر قرآن را مصحف نامیده اند. محمدبن عبدالله معروف به ابن اشته (م ۳۶۰) در کتاب مصاحف از موسی بن عقبه نقل کرده است که اولین بار که قرآن را بر ورق نوشتند آن را نزد ابوبکر بردند و ابوبکر از اهل نظر اسمی را طلب کرد که بر آن مجموعه بنهند. برخی واژه «السُّفْر» را پیشنهاد کردند که پذیرفته نشد، زیرا این واژه از مصطلحات یهود بود. گروهی دیگر واژه «مصحف» را پیشنهاد کردند که از اصطلاحات اهل حبشه بود و این عنوان پذیرفته شد و مقبول همگان قرار گرفت. (۴۴)

سومین نظر به

گروهی بر این عقیده اند که کار گردآوری قرآن در زمان عمر و به اشاره او صورت گرفته است. البته ممکن است که منظور اینان همان مطلبی باشد که

قرآن مجموعه قوانین اساسی و اصولی اسلام است و پیامبر (ص) خود نقش حساس و عظیم آن را در تاریخ آینده بشر می شناخته است بدین جهت نمی توان پذیرفت که پیامبر (ص) آیات قرآن را به صورت پراکنده و متفرق در میان مسلمانان رها کرده و به حفظ و جمع آوری آن نیندیشیده باشد

قبلاً یادآور شدیم؛ یعنی بنا بر نقل عمر پیشنهاد جمع آوری قرآن را به ابوبکر داد، و چون پیشنهاد اصلی از عمر بود کار گردآوری قرآن را به او نسبت داده اند.

و اگر چنین توجیهی را قبول نکنیم، دلیل معتبری بر ادعای مذکور موجود نیست.

چهارمین نظر به

دسته ای دیگر بر این نظر و اعتقادند که جمع آوری قرآن در زمان عثمان بن عفان صورت گرفته است. برخی از مورخین نوشته اند: حذیفه بن یمان (م ۳۶) سردار معروف، بعد از جنگ ارمینیه و آذربایجان به مدینه رفت و با عثمان ملاقات نمود... و از اختلاف مردم در امر قرائت کتاب خدا اظهار تأسف و ناراحتی نمود و او را از آن برحذر داشت و گفت: اهل کوفه به گونه قرائت ابن مسعود و اهل بصره به گونه قرائت ابوموسی و اهل شام و دمشق به گونه قرائت ابی بن کعب و اهل حمص به قرائت ابن مقداد کتاب خدا را می خوانند. او سپس گفت: ای امیر مؤمنان پیش از آنکه امت در امر کتاب مانند یهود و نصاری اختلاف کنند آنها را دریاب. عثمان پس از مشورت با اصحاب خود نظر حذیفه را پذیرفت.

علامه سیوطی در الاتقان چنین آورده است که عثمان گروهی از صحابه (از جمله زیدبن ثابت، عبدالله بن زبیر، سعیدبن عاص و عبدالرحمان بن حارث) را مأمور گردآوری قرآن کرد و آنان اوراقی را که قبلاً در زمان ابوبکر گردآوری شده بود و تنها نسخه آن در اختیار حفصه دختر عمر قرار داشت، از وی گرفته و از روی آن هفت نسخه استنساخ کردند و به بلاد شام، مکه، بحرین، کوفه، بصره و یمن فرستادند و یک نسخه را در مدینه نگاه داشتند و به امر عثمان بقیه قرآن را سوزاندند و مردم بلاد را به قرائت همان یک نسخه واداشتند.

نظیر این روایت را مصادر دیگر نیز نقل کرده اند. (۴۵) به هرحال در عدد مصاحفی که عثمان به کشورها فرستاد

۴۱- ارشاد الساری، احمدبن محمد معروف به قسطلانی، ج ۷، ص ۴۵۹ و عمدة القاری، محمودبن احمد معروف به عینی، ج ۹، ص ۳۰۴ و فتح الباری، احمدبن علی معروف به ابن حجر عسقلانی، ج ۹، ص ۲۳.

۴۲- در این زمینه می توان به مصادر ذیل مراجعه کرد:

مسند احمد، ج ۱، ص ۱۳. صحیح بخاری، کتاب فضائل قرآن. البرهان فی علوم القرآن، زرکشی، ج ۱، ص ۲۳۸. الاتقان فی علوم القرآن، سیوطی، ج ۱، ص ۱۰۱. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۲۵. الایانه، علامه قیسی، ص ۳۴.

۴۳- البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۹.

۴۴- الاتقان، ج ۱، ص ۸۹.

۴۵- علامه محمدبن اسماعیل بخاری در صحیح، فصل فضائل القرآن، باب دوم و سوم. ابن ابی داود در المصاحف، ص ۱۸. علامه طبری در تفسیر طبری، ج ۱، ص ۲۰. ابن کثیر در فضائل القسرا، ص ۱۰. زرکشی در البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۶. و قیسی در الایانه، ص ۲۷.



می شناخته و اهمیت نقش قرآن و آگاهی پیامبر به آن می طلبد است که رسول خدا در حفظ و نگاهبانی از آن نهایت سعی را مبذول دارد و راههای مختلف را برای حفظ آن از تحریف در نظر گیرد و بپیماید. بدیهی است که لازم ترین کار به منظور تحقق و تأمین چنین هدفی تنظیم و تحریر و ضبط آیات قرآن بوده است. بدین جهت نمی توان پذیرفت که پیامبر(ص) آیات قرآن را به صورت پراکنده و متفرق در میان مسلمانان رها کرده باشد و به حفظ و جمع آوری آن نیندیشیده باشد.

خوارزمی در مناقب، از علی بن رباح نقل می کند که علی بن ابی طالب(ع) و ابی بن کعب قرآن را در زمان رسول خدا(ص) گردآوری کردند.

در تاریخ قرآن اثر زنجانی آمده است که علی بن ابراهیم از امام صادق(ع) نقل کرده است:

حضرت رسول اکرم(ص) به علی بن ابی طالب(ع) فرمود که قرآن در قطعه های حریر و کاغذ و پوست پراکنده است و تو آن را جمع آوری کن و علی بن ابی طالب(ع) بدین منظور تلاش کرد و قرآن را در پارچه زرد رنگی گردآوری نمود و بر آن مهر زد. (۲۸)

در تاریخ القرآن نوشته دکتر صبور چنین آمده است که براساس روایات کسی که بیشتر از دیگران در امر نگارش وحی موفق بود در مرحله نخست علی بن ابی طالب و سپس زیدبن ثابت بودند. (۴۹)

حاکم در مستدرک از زیدبن ثابت نقل می کند: ما در خدمت پیامبر(ص) قرآن را در قطعات پراکنده جمع آوری می کردیم و هر کدام را طبق راهنمایی او در جای مناسب خود قرار می دادیم، ولی با این حال این نوشته پراکنده بود، پیامبر(ص) به علی(ع) دستور داد که آن را یکجا جمع کند و ما را از ضایع ساختن آن برحذر می داشت.

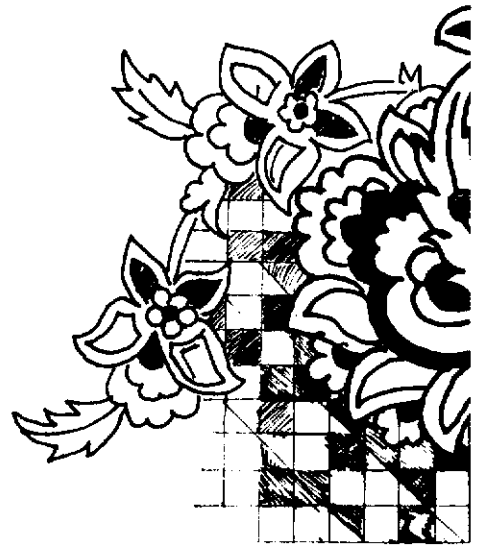
به هرحال امام علی(ع) به عقیده شیعه قرآن را به حسب فرود آیات زیر نظر رسول الله(ص) گردآوری کرد و با اشاره به شأن نزول قسمی از آیات، برخی از آیات مشکل را تفسیر نمود. ابن سیرین می گوید: اگر به آن کتاب دسترسی پیدا می کردم همه علم را می یافتم.

گروهی دیگر از اصحاب رسول خدا(ص) نیز به جمع آوری قرآن همت گماشتند، لیکن آن را به حسب نزول گردآوری نکردند و آنچه جمع آوری نموده بودند، هیچ یک از ویژگیهای کار حضرت علی(ع) را نداشت.

ابن عباس می گوید: خداوند به پیامبر(ص) تضمین داد که پس از او امام علی(ع) قرآن را جمع کند، از این رو قرآن را در قلب علی(ع) قرار داد و او پس از پیوستن رسول خدا(ص) به لقا الله قرآن را گردآوری نمود و در دسترس پیروان اسلام قرار داد.

معمربن عبدالله از ابوظیفیل نقل می کند که علی(ع) را دیدم خطابه می خواند و می فرمود: «از من بپرسید. به خدا قسم از هر چه پرسش نمایید پاسخ می گویم، از کتاب الهی بپرسید، به خدا سوگند هر آیه ای را می دانم که در شب نازل شده و یا در روز و در کوه یا در صحرا».

ابونعیم در حلیة الاولیاء از ابومسعود روایت کرده است



بین صاحب نظران اختلاف شده، ابوعمروالدانی عثمان بن سعید (م ۴۴۴) - صاحب کتابهای التیسیر فی القراءات السبع و المحکم فی نقط المصاحف و المقنع فی رسم القرآن - در کتاب مقنع می گوید: بیشتر علما بر این اعتقادند که عثمان مصاحف را در چهار نسخه نوشت و سه نسخه را به کوفه، بصره و شام فرستاد و یک نسخه از آن را در نزد خود نگاه داشت.

و نیز گفته شده آنها را در هفت نسخه قرار داد و از آن نسخه ها علاوه بر بخشهای مذکور به مکه و یمن و بحرین نیز فرستاد.

ظاهراً گفتار اوّل (قرار دادن مصاحف در چهار نسخه) صحیح تر است و پیشوایان قرائت بر آن اتفاق نظر دارند. و علامه زرکشی (۴۶) و صاحب مقنع (ص ۱۰) بر این اعتقادند که مشهور عدد صحائف را پنج نسخه دانسته اند... (۴۷).

پنجمین نظریه

عده ای بر این باورند که رسول اسلام(ص) به منظور حفظ قرآن دستور داد که آیات قرآن را در زمان خود آن حضرت بنویسند و ضبط نمایند.

براساس این نظریه قرآن به صورت و با کیفیت و نظم کنونی، در زمان رسول خدا(ص) تنظیم و تدوین شده. شیوه تنظیم چنین بوده است که شخص پیامبر هرگاه آیه ای نازل می شد و برای مؤمنان باز می خواند، به عده ای که مسؤول نوشتن آیات و ضبط آنها بودند دستور می داد که این آیه را در فلان سوره و قبل یا بعد از فلان آیه ثبت نمایند.

گروهی که مسؤول ضبط و نوشتن آیات بودند، کتاب وحی نامیده می شوند و تعداد آنها حدود چهل و سه و یا چهل و پنج تن دانسته شده است.

قرائن و شواهدی این نظریه را تأیید می کند که قرآن مجموعه قوانین اساسی و اصولی اسلام است و پیامبر(ص) خود نقش حساس و عظیم آن را در تاریخ آینده بشر

۴۶- البرهان فی علوم القرآن، ج

۱، ص ۲۴۰.

۴۷- برای آگاهی بیشتر

می توانید به کتاب المصاحف

علامه ابن داوود مراجعه کنید.

۴۸- تاریخ قرآن، ص ۲۴.

۴۹- تاریخ القرآن، ص ۱۶۴، و

نیز برای تحقیق بیشتر نک:

* فهم السنن، ابو عبدالله حارث

بن اسد محاسبی (م ۲۴۳) و *

البرهان فی علوم القرآن، علامه

محمدبن عبدالله زرکشی، ج ۱،

ص ۲۳۸. و * لطائف

الاشارات، علامه قسطلانی، ج

۱، ص ۵۳ و موقف القرآن من

المشرکین بمکه، ص ۵۴.

که قرآن بر هفت حرف فرود آمد که هر حرفش ظاهر و باطن دارد و ظاهر و باطن هر آیه نزد علی (ع) است.

و نیز از طریق ابوبکر بن عباس نقل شد که علی (ع) فرمود: به خدا سوگند هیچ آیه ای نازل نشده مگر آنکه شأن نزول و محل نزولش را می دانم. پروردگار به من قلبی اندیشمند و زبانی پرسیان موهبت فرموده است.

محمد ابوزهره^(۵۰) می گوید: محمد بن ادریس شافعی - پیشوای مذهب شافعی - به علی بن ابی طالب (ع) بیش از ائمه سنت ارادت داشت و به آن حضرت عشق می ورزید... تا آنکه می گوید: پیامبر (ص) علی (ع) را به علم قرآن اختصاص داد، زیرا پیامبر (ص) آن را خواند و به وی امر نمود تا بین مردم داوری کند و گفته های او را امضا نمود و شافعی نیز می گفت: علی (ع) بر حق بود و معاویه ناحق و باطل.

و نیز آنچه از مصادر شیعی به دست می آید این است که حضرت علی (ع) بعد از آنکه قرآن را جمع آوری نمود چندین بار آن را به خط خود نوشت. علامه بزرگ شیعه سید محسن امین در کتاب ارزشمند خود این مطلب را تأیید می نماید^(۵۱).

از مجموعه نظرهایی که درباره گردآوری قرآن یاد شد به دست می آید که بنا بر نظریه اخیر از نظر شیعه و سنی هیچ گونه تحریف در قرآن راه ندارد و بنا بر نظریه نخست باز هم از نظر شیعه هیچ گونه زیادی و کاستی در قرآن احتمال نمی رود.

گفتنی است که نظریات پنجگانه با هم تناقض ندارد، بلکه جمع میان آنها ممکن است و هیچ بعدی ندارد که قرآن چندین مرتبه در چندین مرحله، به دست افراد مختلف گردآوری شده باشد؛ زیرا اگر علی (ع) آیات و شأن نزول و تأویل و تفسیر و ظاهر و باطن آنها را در زمان رسول خدا (ص) حفظ و ثبت و ضبط می نموده، هیچ منافاتی ندارد با اینکه گروه دیگری به نام «کتاب وحی» نیز آیات را به دستور پیامبر ثبت کرده باشند، و باز این منافات ندارد با اینکه برخی دیگر از مسلمین که نوشتن می دانستند به میل خود برخی آیات را ضبط کرده باشند و همین امر پس از رسول خدا (ص) و در دورانهای بعد - بخصوص زمان عثمان - موجب اختلاف قرائتها شده باشد. و در آن زمان نوشته های مستند و نسخه های مطمئن را استنساخ کرده و قرائتها و نوشته های پراکنده و شاذ را از بین برده باشند، تا اختلاف از میان رود و آیات به صورت اصلی خود باقی بماند.

بنابراین می توان گفت در هر حال جمع آوری قرآن و تنظیم آیات و سوره ها به زمان خود رسول خدا (ص) بازمی گردد و همان نوشته های زمان ایشان بوده است که در ادوار بعد ملاک و میزان نوشته های دیگر قرار گرفته و براساس همین مقایسه بوده که نوشته های غلط و ناصحیح محو گردیده است.

و اگر در روایات وارد شده در این زمینه دقت شود مدّعی ما به روشنی قابل استنتاج خواهد بود؛ زیرا وقتی گفته



۵۰- کتاب ابوزهره ص ۲۵۲.
۵۱- اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۸۹
و برای آگاهی بیشتر در این باره می توانید به بحار الانوار، مجلسی، ج ۹۲ مراجعه کنید.



می شود قرآن در زمان ابوبکر یا عثمان گردآوری شده جای این پرسش هست که تنظیم آیات و سوره ها بر چه اساس و ملاکی صورت گرفته است؟

اگر گفته شود براساس ذوق و سلیقه و فهم شخصی گردآورندگان، قابل پذیرش نیست؛ زیرا سبک و شکل مرتب کردن آیات و سوره ها به گونه ای است که احتمال نمی رود گردآورندگان قرآن با اطلاعات محدود بشری توانسته باشند این کار را به انتخاب خود صورت داده باشند. و این مطلب با مراجعه به شرح حال کسانی که در گردآوری قرآن دخالت داشته اند روشن می شود و دانسته می گردد که آنان در علوم قرآن تا بدین پایه آگاهی نداشته اند.

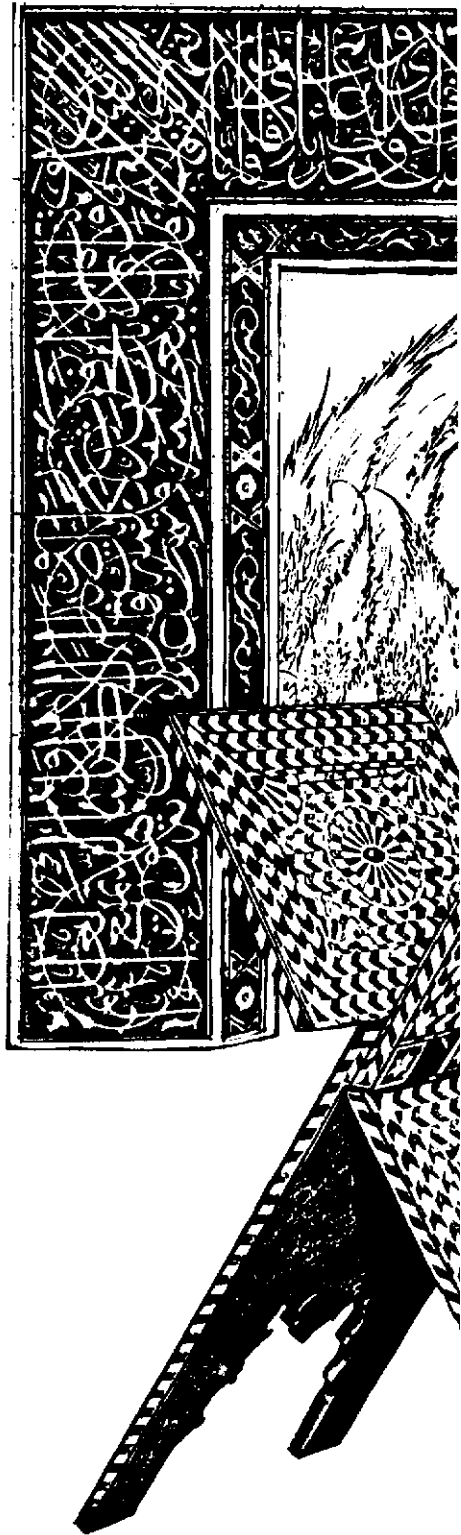
تنها راهی که باقی می ماند این است که بپذیریم گردآورندگان قرآن، کار جمع آوری را براساس آنچه در زمان رسول خدا (ص) و به دستور خود آن حضرت صورت گرفته است به انجام رسانیده اند.

کوتاه سخن

قرآن در زمان خود رسول خدا تنظیم و تدوین شده و در زمان رسول خدا و صحابه کلمه «مصحف» بر آن اطلاق می شده است. گویای این مدعا احادیثی است که در مصادر شیعه و سنی نقل شده است.

اما در مصادر اهل سنت: در کنز العمال از رسول خدا نقل شد که فرمود: «من قرأ القرآن فی المصحف کتب له الفأحسنة و من قرأ فی غیر المصحف فألف حسنة» (۵۲) کسی که از روی مصحف قرآن را بخواند برای او دوهزار ثواب نوشته می شود و کسی که بدون مصحف بخواند هزار ثواب برای او منظور می شود، و فرمود: «من ادا من النظر فی المصحف متع ببصره مادام فی الدنيا» (۵۳) کسی که پیوسته در مصحف نظر بیندازد تا زمانی که در دنیاست از بینایی چشم خود بهره مند خواهد بود و جز اینها از احادیث دیگر. اما مصادر شیعه: در آنها آمده:

«قال رسول الله النظر الى المصحف عبادة» (۵۴) نظر کردن در مصحف عبادت است و فرمود: «القراءة فی المصحف خیر من قراءة ظاهراً» (۵۵) قرائت از روی مصحف بهتر است از قرائت آن بدون مصحف.



۵۲- کنز العمال، ج ۱، ص ۵۳۶.

۵۳- همان.

۵۴- وسائل، ص ۸۵۴.

۵۵- مستدرک، ج ۱، ص ۲۹۴.